



The Behavior of the Obligor as an Obstacle to the Fulfillment of Obligations in the Light of Iranian Law and the Convention on the International Sale of Goods

Mehrzad Masihi¹, Masoud Reza Ranjbar Sahraei^{2*}, Zohreh farrokhi³, Mostafa Mandegar⁴

1. Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
4. Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:135-150

Article history:

Received: 25 Jan 2025

Edition:08 Mar 2025

Accepted: 22 Apr 2025

Published online:28 Mar 2026

Keywords:

Law of Obligations; International Sale of Goods; Iranian Law; Convention on the International Sale of Goods.

Corresponding Author:

Masoud Reza Ranjbar Sahraei

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0001-9734-7307

Tel:

09173135374

Email:

masoodreza.ranjbar@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: the purpose of this study is to explain the effects of the behavior of the obligor in the process of performance of obligations as an obstacle to the performance of obligations within the framework of the Convention on International Sales and Iranian law and its jurisprudential foundations.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The behavior of the obligated party as an obstacle to the fulfillment of the obligation is analyzed in Iranian law and its jurisprudential foundations by resorting to the general principles of the fulfillment of obligations; while the Convention has a special provision regarding this situation, and this provision is also stated under the section on exemption from liability.

Conclusion: In Iranian law and the Convention, examples of the behavior of the obligor in the process of non-fulfillment of the obligation are not explicitly mentioned. However, given that in Iranian law, the legal analysis of the role of the obligor is carried out by resorting to the interpretation of general rules, while in the Convention, this is done by resorting to the provisions of Articles 79 and 80, it is very likely that there will be a divergence of opinions in the procedure of dispute resolution authorities within the framework of Iranian law compared to the Convention.

Cite this article as:

Masihi, M; Ranjbar Sahraei, M-R; farrokhi, Z; Mandegar, M. *The Behavior of the Obligor as an Obstacle to the Fulfillment of Obligations in the Light of Iranian Law and the Convention on the International Sale of Goods*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

رفتار متعهدله در قامت مانع ایفای تعهدات در پرتو حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

مهرداد مسیحی^۱، مسعودرضا رنجبر صحرائی^{۲*}، زهره فرخی^۳، مصطفی ماندگار^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۳. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۴. گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر تبیین آثار رفتار متعهدله در فرآیند ایفای تعهدات به عنوان مانع ایفای تعهدات در چهارچوب کنوانسیون بیع بین‌المللی و حقوق ایران و مبانی فقهی آن می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: رفتار متعهدله در قامت مانع ایفای تعهد، در حقوق ایران و مبانی فقهی آن، با توسل به اصول و قواعد عمومی باب ایفای تعهدات مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ در حالی که کنوانسیون در ارتباط با این وضعیت دارای حکم خاص می‌باشد و این حکم نیز ذیل قسمت موارد معافیت از مسئولیت بیان شده است.

نتیجه: در حقوق ایران و کنوانسیون، مصادیق رفتار متعهدله در فرآیند عدم ایفای تعهد به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، اما باتوجه به این‌که در حقوق ایران، تحلیل حقوقی نقش متعهدله با توسل به تفسیر قواعد عمومی انجام می‌گیرد ولی این امر در کنوانسیون، با توسل به مفاد مواد ۷۹ و ۸۰ صورت می‌پذیرد، ایجاد تششت آراء در رویه مراجع حل اختلاف در چهارچوب حقوق ایران در مقایسه با کنوانسیون، بسیار محتمل می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۵-۱۵۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

حقوق تعهدات؛ بیع بین‌المللی کالا؛ حقوق ایران؛ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا.

نویسنده مسئول:

مسعودرضا رنجبر صحرائی

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09173135374

کد ارکید:

0000-0001-9734-7307

پست الکترونیک:

masoodreza.ranjbar@gmail.com

۱. مقدمه

نقش آفرینی متعهدله در فرآیند ایفای تعهد وجود ندارد، بلکه تکلیف وضعیت مزبور باید با توسل به تفسیر قواعد عمومی موجود مشخص گردد؛ اما وضعیت رویکرد کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با در نظر گرفتن مفاد مواد ۷۹ و ۸۰ به روشنی قابل دستیابی است. تمرکز پژوهش حاضر بر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است که همین امر نیز نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که رفتار متعهدله در قامت مانع ایفای تعهد، در چهارچوب حقوق ایران و مبانی فقهی آن، با توسل به اصول و قواعد عمومی باب ایفای تعهدات مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ به تعبیری، از منظر حقوقی- فقهی، یک امر «قاعده‌محور» محسوب می‌گردد؛ در حالی که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، در ارتباط با این وضعیت دارای حکم خاص می‌باشد و این حکم نیز ذیل قسمت موارد معافیت از مسئولیت بیان شده است؛ به تعبیری، وضعیت تحلیل رفتار متعهدله در قامت مانع ایفای تعهدات در چهارچوب کنوانسیون یک امر «استثنائی و حکم-محور» محسوب می‌گردد.

عدم ایفای تعهدات و آثار آن یکی از موضوعات بسیار مهمی می‌باشد که در حوزه حقوق قراردادهای به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های باب ایفای تعهدات مورد توجه قانون‌نویسان و نویسندگان حقوقی قرار دارد. در فضای تعهدات قراردادی، عموماً دو طرف وجود دارد: متعهد و متعهدله. اصل بر این است که در فرآیند ایفای تعهدات، نقش متعهد و تکلیف اصلی او به ایفای تعهد مورد توجه قرار دارد؛ اما این امر بدان معنا نیست که در فرآیند ایفای تعهدات، نباید (یا حتی نمی‌توان) برای متعهدله نقشی تعریف نمود. نقش آفرینی متعهدله در فرآیند ایفای تعهدات دارای مصادیق مختلفی می‌باشد؛ برای مثال در مرحله اجرای قرارداد به صورت پلکانی، ممکن است تعهدات متقابلی برای متعهدله ایجاد شده باشد و اجرای تعهدات متعهد اصلی موکول به ایفای تعهدات متقابل فرعی از سوی متعهدله شده باشد. همچنین ممکن است انجام مجموعه‌ای از اقدامات برای ایفای تعهدات از سوی متعهد لازم باشد اما اقدامات مزبور در قرارداد صراحتاً ذکر نشده باشد، اما از اوضاع و احوال یا تفسیر اراده طرفین نمایان شود که این امر در قالب شرط ضمنی مورد پذیرش قرار گرفته است. مع الوصف، در موارد این-چنینی، لازم است تکلیف وضعیت ایفای تعهدات و آثار عدم اقدام متعهدله مشخص گردد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که، در موارد وقوع رفتار متعهدله در قامت مانع ایفای تعهد از سوی متعهد، چه آثاری در چهارچوب حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پیش‌بینی شده است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که در چهارچوب حقوق ایران، صراحتاً اشاره‌ای به

۵. بحث

مقرر می‌دارد: «عقودی که طبق قوانین منعقد شده اند، بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم الاتباع می‌باشد، مگر به رضای طرفین اقاله، یا به عللی از علل قانونی فسخ شود.»

ماده ۳۷۶ قانون مدنی به صراحت اجبار به انجام برخی تعهدات را ذکر کرده است، اگرچه بیع در این ماده ذکر شده است، اما شامل کلیه عقود و تعهدات می‌شود و یک قاعده کلی است. هر چند در ماده به تأخیر اشاره شده است، اما شامل تمام مواردی است که خللی در تعهدات ایجاد می‌کند. برخی از فقها معتقدند: ثالث طرف قرارداد نیست، فقط طرف قرارداد، حق تعهد دارد و شخص ثالث چنین اختیاری ندارد. برخی دیگر معتقدند حق ایجاد شده برای شخص ثالث قابل مطالبه شخص ثالث است (حلی، ۱۳۱۴، ۱۸۶). رجوع به نیت طرفین قرارداد و تعهد و توجه به اراده آنها ضروری است. اگر تعهد به نفع شخص ثالث باشد متعهدله حق رجوع به متعهد را دارد اما در تعهد به نفع یکدیگر و منفعت ثالث، شخص ثالث چنین حقی ندارد. ماده ۲۲۲ قانون مدنی به این موضوع می‌پردازد (صفایی، ۱۳۸۲، ۱۹۴). در مورد ماده ۲۶۷ قانون مدنی اگر اجازه ادای دین ثالث وجود داشته باشد حق رجوع به او دارد ولی بدون اجازه حق رجوع ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۴۱۲-۴۱۴).

مفهوم «فسخ» قرارداد با مفهوم «اصلاح» قرارداد متفاوت است؛ زیرا فسخ، معامله را بر مبنای نقض عهد یکی از طرفین معامله به هم می‌زند و دیگر تعهدی برای طرفین باقی نمی‌ماند، ولی قائل شدن حق اصلاح برای نقض‌کننده قرارداد باعث می‌شود عقده‌ای که با نقض عهد یکی از طرفین در حالت تزلزل قرار گرفته است، به حیات حقوقی خود ادامه دهد و از ضرری که ممکن است در اثر از هم پاشیدن عقد به متعهد و حتی به متعهدله

در ابتدا وضعیت متعهدله در فرآیند ایفای تعهدات در حقوق ایران و سپس در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد ارزیابی و تبیین قرار می‌گیرد.

۵-۱. رویکرد حقوق ایران و مبانی فقهی

در ادامه به تبیین و ارزیابی رویکرد حقوق ایران و نظرات فقهای امامیه در ارتباط با رفتار متعهدله در فرآیند عدم ایفای تعهدات پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. ایفای تعهد در چهارچوب حقوق

ایران و نظرات فقهای امامیه

از آن‌جا که در بسیاری از موارد برای متعهدله نیز متقابلاً تعهدات در قرارداد پیش‌بینی می‌شود؛ و به تعبیری، متعهدله در جایگاه متعهد نیز قرار می‌گیرد، اشاره کوتاهی به ایفای تعهد در قانون مدنی و فقه امامیه خواهد شد. از نظر فقهای امامیه وجوب به عهد و وظیفه خطیری است که هیچ کس منکر آن نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ۳۶۷). اما باید در نظر داشت که تعهد متعهد به انجام تعهد مهمترین ضمانت اجرای تخلف از تعهدات در حقوق ایران تلقی می‌شود، و باید در نظر داشت که توسل به این ضمانت اجرا مستلزم تحقق شرایط است و نمی‌توان متخلف را ملزم به انجام تعهد کرد. بررسی شرایط مزبور از چهارچوب پژوهش حاضر خارج است.

۵-۱-۲. آثار عدم ایفای تعهد در حقوق

ایران و نظرات فقهای امامیه

در حقوق ایران در اجرای عین تعهدات، اجبار و الزام در صورت عدم انجام تعهد وجود دارد. در صورت رفع احتمال الزام و اجبار به عنوان آخرین راه حل به فسخ می‌رویم که برگرفته از فقه است. تعهدات با اراده و توافق ایجاد می‌شود، و به همین ترتیب از بین می‌رود. در قانون مدنی، ماده ۲۱۹

قرارداد وارد می‌شود جلوگیری نماید. ضرر وارده بر اثر فسخ به این لحاظ است که هر یک از طرفین با انعقاد قرارداد، انتظار دریافت عوضی را در مقابل آن چه می‌دهند دارند و فسخ قرارداد زمینه این امر را از بین می‌برد.

۵-۱-۳. تأثیر رفتار متعهدله در عدم ایفای تعهد

در موارد عدم ایفای تعهد، فسخ به عنوان یک چاره قانونی و در قامت یک قاعده در حقوق ایران پیش‌بینی شده است. مبنای فسخ تعهد می‌تواند ناشی از شرط عقد یا به دلیل موارد فسخ مندرج در قانون باشد. موارد فسخ موضوع بحث ما در قانون مدنی به طور کلی و مختصر ذکر شده است. اما به دنبال این موارد نمی‌توان قاطعانه قائل شد که قانونگذار حکم کلی را در مورد فسخ قرارداد در صورت تخلف از تعهد و با توجه به رفتار متعهدله ذکر کرده است. بنابراین، موارد فسخ نیز به صورت موردی بیان خواهد شد: ماده ۲۳۹ ق.م. در این خصوص تصریح می‌کند: «هر گاه اجبار مشروط علیه، برای انجام فعل مشروط، ممکن نباشد، طرف مقابل حق فسخ را خواهد داشت».

۵-۱-۴. مصادیق رفتار متعهدله در فرآیند عدم ایفای تعهد در حقوق ایران

علی‌رغم عدم مذاقه و اشاره قانونگذار در کنشگری متعهدله، اگر قسمتی از سکان حرکت و اجرای تعهد به عهده متعهدله باشد، عدم حصول نتیجه تماماً بر عهده متعهد نیست. در این خصوص مشکلی که وجود دارد مصادیق این امر است که روشن نیست. در این بین سه مقطع را می‌توان در این گستره از یکدیگر از لحاظ زمانی تفکیک کرد که در این قسمت مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

الف. زمان اجرای قرارداد: در حقوق قراردادها قاعده کلی این است که تعهد قراردادی باید در موعد مقرر انجام شود. هرگونه تخطی از این قاعده چه در نتیجه تاخیر یا عدم اجرای آن مستلزم جبران خسارت است. بدون شک زمان اجرای قرارداد از جمله عواملی است که بر مسئولیت طرفین تأثیر مستقیم دارد. (علوی و یوسفی، ۱۳۹۷، ۲۳۵). با این حال نکته ای که در خصوص کنشگری متعهدله و رفتار او در تعهد وجود دارد این است که در این مرحله متعهدله، متعهد به ارائه ی اطلاعات درست به متعهد می‌باشد. وظیفه اطلاع‌رسانی به عنوان «یک اصل اساسی برای تضمین تعادل در روابط قراردادی» توصیف شده است و دیدگاه اخلاقی قرارداد را که بین بسیاری از حقوقدانان مشترک است نشان می‌دهد که طرفین باید از رفتار خودخواهانه خودداری کنند (Whittaker, 2017, 45). تدقیق در موضوع تعهد و پذیرش آن نیز از دیگر وظایف متعهدله در این مرحله است. در این زمینه قاعده الحاکم ولی الممتنع، در فقه امامیه مورد توجه قرار گرفته است هرچند در خصوص این قاعده و رفتار متعهدله اجماعی وجود ندارد.

ب. نقض قرارداد: طبق قانون، متعهدله می‌تواند با مراجعه به مرجع حل اختلاف، تعهد متعهدله به ایفای تعهد را درخواست کند. معمولاً تا زمانی که الزام به انجام همان تعهد ممکن باشد، مگر در موارد استثنایی که در قانون مقرر شده یا مواردی که به نحو دیگری در قرارداد مقرر شده است، امکان فسخ قرارداد وجود ندارد و به عبارت دیگر تعهد به انجام همان تعهد بر حق فسخ تقدم طولانی دارد. بنابراین اگر شما به عنوان طرفین قرارداد قصد دارید در صورت تخلف از تعهدات قراردادی از حق فسخ بهره‌مند شوید، لازم است

به صراحت این نکته را در قرارداد پیش‌بینی کنید که در صورت تخلف از تعهدات قراردادی، متعهدله علاوه بر حق تعهد به انجام همان تعهد، می‌تواند یک طرفه قرارداد را فسخ کند. در اینجا اگر فرض کنیم که نقض تعهد اتفاق بیافتد متعهدله نقشی فعال خواهد داشت و باید با توجه به روش‌های مسالمت‌آمیز، تقاضای رفع مشکل یا خسارت کند. در قانون مدنی مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ تا ۲۳۰ کلیت مطالبه خسارت اعم از خسارت ناشی از تخلف از تعهدات قراردادی و خسارت تاخیر در انجام تعهدات را مورد بحث قرار داده است. به طور کلی، مبنای استحقاق خسارت قانون، عرف یا قرارداد است. (مهتاب‌پور و صمدی، ۱۳۹۹، ۲۱۳).

ج. عقیم شدن اجرای قرارداد: الزام آور بودن قرارداد به عنوان یکی از اصول مهم حقوق قراردادهای در تمامی نظام‌های حقوقی جهان پذیرفته شده است که به موجب آن دو طرف موظف به اجرای تعهدات قراردادی خود می‌باشند، اما گاهی اوقات شرایطی پیش می‌آید که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌کند (تلبا و ابراهیمی، ۱۳۹۶، ۱۹۵). در برخی از امور، متعهدله می‌تواند در راستای رفع عقیم شدن اجرای قرارداد، اقداماتی انجام دهد. با این وجود همانطور که در سطور بعدی هم می‌آوریم آثار رفتار متعهدله بر واکنش‌های ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق ایران مورد اشاره دقیق و مورد استناد قرار نگرفته است.

ماده ۲۷۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود.» به نظر می‌رسد که در زمینه آثار رفتار

متعهدله بر عدم انجام تعهد، ماده ۲۷۳ مهمترین ماده نسبتاً مرتبط در حقوق ایران باشد. با تدقیق در این ماده می‌توان گفت که ماده ی فوق، امری نیست و تکمیلی است بنابراین اگر طرفین برخلاف آن نیز توافق کنند صحیح است. برای این اساس به دلیل تکمیلی بودن این ماده، در رتبه بندی کلیف پائین تر از اراده ی طرفین قرارداد قرار می‌گیرد. (شهدی، ۱۳۸۸، ۳۴) به این نتیجه حاصل می‌شود که اگر متعهدله بر مبنای رفتار خود اجرای قرارداد را با مشکل مواجه کند و از اجرای آن سر باز بزند متعهد می‌تواند به دادرسان دادگاه‌های عمومی رجعت کند. در اینجا منظور از قائم مقام نیز جانشین حاکم است که اختیارات قانونی حاکم را به عهده می‌گیرد. بنابراین اختیارات حاکم را در این گستره می‌توانیم به عنوان نیابت قضائی متعهدله در نظر بگیریم و به نوعی می‌توان نیابت قراردادی یا وکالت را نیز از ماده ۲۷۳ استنباط کرد. در اینجا می‌توان گفت که اساس تسلیم مورد تعهد به حاکم و یا قائم مقام او در ماده ی ۲۷۳ قاعده «الحاکم ولی المتنتع» است که می‌توان رفتار متعهدله را در انجام فعلی بر عدم انجام تعهد را به عنوان مصداقی از این قاعده دانست. مبنای این قاعده اولویت عقلاست که به طور ضمنی اولویت نظر حاکم را بر کسی که رای ممتنع دارد و در این بحث متعهدله است را در نظر می‌گیرد. همچنین بنا بر اولویت حاکم و البته عقل در این قاعده باید قاعده لاضرر را نیز در خصوص امتناع و رفتار متعهدله بر عدم پذیرش در اجرای تعهد را نیز در نظر گرفت که امتناع متعهدله، موجب ضرر و زیان به متعهد می‌شود. با این حال، در خصوص خودداری متعهدله و رفتار او در امتناع یا واکنشی مبنی بر عدم انجام تعهد و بری شدن

متعهد در فقه امامیه اجماع نظر وجود ندارد. برخی بر ارائه ی حکم از طرف حاکم و قبض مورد تعهد رای داده اند (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۲۲) و عده ای دیگر بر این قولند که حاکم باید متعهدله را مجبور به انجام تعهد کند و در صورت استنکاف، حاکم از جانب متعهدله بر قبض اقدام نماید (انصاری، ۱۴۱۱، ۱۱۸). براین اساس، ماده ۲۷۳، همانطور که آمد چکیده ای از نظر فقهاست که نظر حاکم را نهایتاً بر متعهدله و قبض تعهد در اولویت قرار می دهند.

در نتیجه، نمی توان نظر جامع و مانعی را طبق قانون و فقه امامیه در خصوص استنکاف یا رفتار متعهد له و تاثیر آن بر واکنش های ناشی از عدم اجرای تعهد در حقوق ایران یافت. اگرچه اگر ضمانت اجرا در قرارداد و وجه التزام را در نظر بگیریم می توانیم در حقوق ایران به نتایجی در خصوص عدم تعهد متعهدله و رفتار و کنش او در قرارداد برسیم و آثار آن نیز مشخص می شود. چه اینکه اگر بین دو یا چند نفر قراردادی منعقد شود و یکی از آنها مرتکب تخلف از قرارداد اعم از عدم ایفای تعهد یا تأخیر در انجام آن شود و خسارتی به طرف مقابل وارد شود، مسئولیت مدنی نقض قرارداد بر عهده اوست و باید خسارت را تحمل کند. در این راستا و برای جبران خسارات طرفین قراردادها، قانونگذار یک سری اقدامات را پیش بینی کرده است که یکی از آنها الزامات قراردادی است. بر اساس اصل لزوم در هر قراردادی، شخصی که منفعت او تعهد است، می تواند متعهد را مجبور به انجام تعهد کند. اما در صورت عدم امکان اجبار متعهد، متعهدله می تواند به هزینه خود تعهد را انجام دهد و هزینه ایفای تعهد را مطالبه کند. در صورت عدم امکان انجام تعهد می تواند از طریق شخص ثالث ایفای

تعهد کند. در غیر این صورت در آخرین مرحله می تواند قرارداد را فسخ کند. مثلاً فروشنده بنای قدیمی در حین بیع متعهد به بازسازی آن می شود و یا سازنده به موقع از تعهدات خود عدول می کند، در چنین مواردی طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی می توان متعهد را مجبور کرد. با مراجعه به دادگاه خواستار اجرای تعهدات قراردادی شد. به نظر می رسد که عکس این قضیه نیز در گستره ی وجه التزام صحیح باشد یعنی اگر متعهدله مانع انجام تعهد شود طبق وجه التزام قراردادی که بر عدم تعهد هر کدام از عاملین قرارداد تاکید دارد باید مبلغی را که در قرارداد معین می شود به عنوان خسارت در راستای ضمانت اجرای قرارداد بر عهده بگیرد. «حق اجبار به اجرای عین تعهد» را می توان از مواد ۲۳۷، ۲۳۸، ۳۷۶، ۴۷۶، ۵۳۴، ۵۷۹ قانون مدنی استنباط کرد. براین اساس معمولاً در قراردادهای تجاری، شرط یکی از ضمانت های اجرای قراردادی «تعهد» است که در قراردادها گنجانده شده است.

۵-۲. کنوانسیون بیع بین المللی و تأثیر

رفتار متعهدله بر فعل عدم انجام تعهد

در ارتباط با کنوانسیون بیع بین المللی کالا باید عنایت داشت که فضای سکوت مطلق حاکم نمی باشد؛ بلکه مواضع کنوانسیون ذیل مواد مختلف از جمله ۷۹ و ۸۰ اتخاذ شده است. ماده ۷۹ کنوانسیون، قاعده کلی در ارتباط با عدم ایفای تعهدات را بیان نموده، اما ماده ۸۰ وضعیت خاص نقش طرفین در عدم ایفای تعهدات قراردادی را مورد توجه قرار داده است که در ادامه به تبیین آن ها پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۱. عدم ایفای تعهد در چهارچوب

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

از جمله مواد مرتبط با عدم اجرای تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی، ماده ۷۹ و ۵۸ و ۷۱ و سپس ماده ۸۰ است. ماده ۷۹ مربوط به زمانی است که طرف در انجام هر یک از تعهدات خود از جمله تعهد فروشنده به تحویل کالای منطبق عمل نکرده باشد، و عدم ایفای تعهد نیز منتسب به وی نباشد که طرف را از مسئولیت خسارات معاف می‌کند. ماده ۷۹ در قامت یک قاعده عمومی محسوب شده و بیانگر مانعی در قامت فورسماژور و یا عملکرد شخص ثالث در مانعیت اجرای قرارداد است در حالیکه ماده ۸۰ تبیین کننده یک حکم خاص است و بیانگر تاثیر رفتار متعهد له در عدم امکان اجرای قرارداد است و بحث ما نیز در همین خصوص تشریح می‌گردد. توجه به این نکته که جایگاه این مواد در کدام بخش از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قرار گرفته، حائز اهمیت است. این مواد ذیل قسمت چهارم از کنوانسیون که «معافیت‌ها» نامیده شده، آمده‌اند. در حقیقت مواد ۷۹ و ۸۰، نهادهای توجیه کننده مسئولیت در بیع بین‌المللی کالا را بر می‌شمارند و از این جهت، تفسیر این مواد تنها به شکل مضیق از اعتبار برخوردار است. چرا که با ایجاد مسئولیت، وضعیت جدیدی ایجاد شده است که اصل بر استقرار آن بوده و موانع و موارد زوال مسئولیت از هر نوع، چه موجهه و چه رافع، همه خلاف اصل هستند.

۵-۲-۱-۱. قاعده عمومی عدم ایفای

تعهد و نقش متعهدله

در فرآیند ایفای تعهدات، ایفای نقش برای متعهدله نیز متصور است. رفتارهای متعهدله (اعم از فعل یا ترک فعل) در قراردادهای مرتبط با آن

تعهدات ناشی از قرارداد در چند حالت متصور است: الف. متعهدله به واسطه مفاد قرارداد، خودش صراحتاً متعهد به تکالیفی است و تکالیف مزبور دارای ارتباط تام و مستقیم با تعهدات طرف مقابل است. ب. برای متعهدله در قرارداد به صراحت تکلیفی وجود ندارد، اما از طریق تفسیر تعهدات متعهد و نحوه اجرای آن تعهدات، یا از طریق شروط ضمنی، یا از طریق توسل به شروط بنایی و اجرای با حسن نیت قراردادهای، می‌توان برای متعهدله تعهد یا تعهداتی را قائل بود. ج. در نهایت هیچ‌گونه تعهد صریح یا ضمنی برای متعهدله متصور نیست اما به واسطه یک اقدام خاص مانند تلف مال از سوی متعهدله، بر اجرای تعهدات قراردادی اثر مستقیم می‌گذارد. بر این اساس این امکان که عدم ایفای تعهدات در بعضی مواقع به متعهد و در برخی مواقع نیز به رفتار متعهدله باز گردد، متصور خواهد بود.

همانطور که اشاره شد ماده ۷۹ کنوانسیون به عدم امکان اجرای تعهد مندرج در کنوانسیون و آثار آن بر بیع بین‌المللی اشاره دارد. قبل از مطالعه این ماده از کنوانسیون باید به یک نکته اشاره کرد و آن اینکه با مراجعه به مواد دیگر کنوانسیون مشخص می‌شود که دامنه بحث موارد رفع مسئولیت مندرج در ماده ۷۹ محدود و مواردی از جمله گم شدن کالا در حین حمل و نقل یا کالاهای معیوب از شمول آن مستثنی شده این قبیل است و در موضوعات مستثلی در کنوانسیون پیشنهاد و تعیین شده است. با عنایت به ماده ۷۹ کنوانسیون، مشخص می‌شود که به جز دو استثناء فوق، در سایر موارد، دامنه این ماده بر اساس رویه نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی گسترده است و شامل هر دو طرف قرارداد می‌شود و در مورد سایر موارد، دامنه این ماده

گسترده است. هر یک از تعهدات آنها قابل اجرا است.

کنوانسیون دو مورد را به عنوان معافیت از مسئولیت قراردادی در نظر می‌گیرد: «اول؛ عدم امکان انجام تعهد ناشی از حادثه خارجی است. دوم؛ قصور شخص سوم یا ثالث مانع از انجام تعهد شود. طبق ماده ۷۹ کنوانسیون (بند ۱) برای اینکه یک حادثه خارجی متعهد را از مسئولیت معاف کند، باید سه شرط وجود داشته باشد: الف) حادثه ای که خارج از اختیار و کنترل متعهد باشد و مانع انجام تعهد شود. ب) در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نباشد. ج) از وقوع، تداوم یا آثار آن قابل پیش‌گیری نیست. برخی به این سه عامل، رکن چهارمی نیز افزوده اند که آن رابطه سببیت بین مانع و عدم انجام تعهد است؛ اما در متن فعلی عنصر فوق در بند الف آمده و به طور مستقل ذکر نشده است» (Gillette & Walt, 2016, 121).

رویه کنوانسیون در تعیین ماده ۷۹ به پیروی از برخی نظام های حقوقی مهم رومی-ژرمنی اتخاذ شد و در نتیجه تفاوت هایی با روش UCC و نظام حقوقی انگلیسی دارد. «همانطور که در بند ۱ ماده ۷۹ ذکر شد، باید ثابت شود که حادثه ای که موجب عدم ایفای تعهد شده خارج از اختیار متعهد بوده است، لازم به توضیح است که اثبات این امر به راحتی امکان پذیر نیست و طرفی که ادعا می‌کند انجام تعهد غیر ممکن است و ادعا می‌کند که مسئولیت ندارد، باید ثابت کند که: الف) این مانع از اختیار او خارج است؛ ب) به طور متعارف، این نوع واقعه از ابتدا و در زمان امضای قرارداد قابل پیش‌بینی نبود؛ ج) و جلوگیری از وقوع آن مانع یا ادامه وقوع یا رفع آثار آن ممکن نبود» (Tugce, 2019, 31-32).

بنابراین اولین شرطی که مانع می‌دانیم این است که خارج از اختیار متعهد واقع شده باشد. برای درک بهتر معنای این شرط باید دید در مرجع متعهد چه مواردی لحاظ شده است. «از آنجایی که در قرارداد بیع بین‌المللی، فروشنده ملزم به تحویل کالای موضوع قرارداد است و پرداخت توسط خریدار عمدتاً از طریق سیستم بانکی انجام می‌شود، معمولاً متعهد، فروشنده است. بر این اساس باید بگوییم هر عاملی که مربوط به سازماندهی معمول تولید توسط وی و به عبارتی مربوط به حوزه مدیریتی وی باشد، در محدوده اختیارات فروشنده محسوب می‌شود. به عنوان مثال پیمانکار باید از نظر پرسنلی و تجهیزات فنی توانمندی های لازم را داشته باشد و با استفاده صحیح از آنها، حمایت‌های مالی لازم را برای تضمین تولید انجام دهد. تحویل به موقع مواد اولیه و اخذ مجوز لازم از مراجع دولتی تا حد امکان. حال اگر در هر یک از موارد فوق قصور کند و در اثر انجام تعهد به مانعی برخورد کند نمی‌تواند ادعا کند که امور مذکور خارج از اراده او بوده و خود را از مسئولیت معاف بداند. شرط دوم این است که ثابت شود متعهد حادثه را پیش‌بینی نکرده و نمی‌توانسته آن را پیش‌بینی کند. البته لازم به ذکر است که بر خلاف موارد فورس ماژور، غیرقابل پیش‌بینی بودن به صراحت در این ماده ذکر نشده است. نکته دیگری که لازم به ذکر است این است که در واقع بسیاری از پدیده‌هایی که می‌توانند مانع اجرای تعهد شوند، قابل پیش‌بینی هستند، اما هیچ‌کس انتظار ندارد که مورد توجه قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت که تدوین کنندگان کنوانسیون در چگونگی تعیین این شرط شفافیت نشان داده اند. آنچه مهم است این است که انتظار حادثه معقول باشد و عقل

قرارداد و کنوانسیون ارائه نکرده از پرداخت ثمن خودداری کند. چنین حقی نیز برای فروشنده وجود دارد که به موجب آن فروشنده می‌تواند تا دریافت ثمن مبیع از تحویل کالا خودداری کند. اما در مواردی که تادیه ثمن ترتیب داده شده باشد، مانند حقوق ایران، حق حبس برای فروشنده وجود نخواهد داشت. زیرا تعهد فروشنده به تحویل کالا در حال حاضر و تعهد خریدار به پرداخت ثمن الزام آور است و تعهد الزام آور در مقابل تعهد فعلی وجود ندارد. بنابراین، مانند حقوق ایران، شرط اجل می‌تواند در سقوط حق حبس تأثیر مستقیم داشته باشد. اما کنوانسیون در یک مورد مهلت را مانع ایجاد و اعمال حق حبس ندانسته و آن جاست که نقض قرارداد از سوی متعهدله پیش‌بینی شده است. در این صورت، قانونگذار در ماده ۷۱، حق تعلیق عقد را برای متعهد در نظر گرفته است؛ مشروط بر اینکه پیش‌بینی عدم انجام تعهد باید جنبه اساسی داشته باشد و متعهدله بدون تأخیر، اخطار تعلیق قرارداد را به متعهد اعلام کند. در این صورت اگر متعهد ضمانت کافی برای ایفای تعهدات خود بدهد، دیگر طرف قرارداد حق تعلیق نخواهد داشت (Aksoy, 2014, 67-68). ماده ۷۱ کنوانسیون در مورد حق تعلیق قرارداد از طرف متعهد بیان می‌دارد: ۱. در صورتی که پس از انعقاد قرارداد معلوم شود که یکی از طرفین به دلایل زیر به تعهدات خود عمل نخواهد کرد، طرف دیگر به تعهدات خود عمل نخواهد کرد. طرف دیگر بر اجرای تعلیق تعهدات حق خواهد داشت: الف. در صورت عدم توانایی متعهد در ایفای تعهد یا ضعف و نقص در اعتبار وی ب. نحوه رفتار متعهد در تهیه مقدمات اجرای قرارداد و یا در اجرای قرارداد. (Kryla, 2021, 119-120)

سلیم از آن حمایت کند. در مورد مانعی که قبل از انعقاد قرارداد وجود داشته است باید بررسی شود که طرف قرارداد از وجود آن اطلاع نداشته است. در این میان، یکی از تعهدات عمومی طرفین قرارداد، برخورد با موانعی است که بر سر راه اجرای تعهدات آنها ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر او باید از بروز هر مانعی جلوگیری کند و در صورت بروز آن نسبت به رفع آن یا کاهش آثار آن اقدام کند. در این زمینه نمی‌توان معیار روشنی ارائه داد و ملاک، دیدگاه عرفی است. « (Gillette & Walt, 2016, 125-126).

علاوه بر ماده ۷۹ که بیان‌کننده قاعده عمومی فوق در این باره است، ماده ۸۰ کنوانسیون نیز به تبیین یک حکم خاص می‌پردازد. به طور مختصر باید گفت زمانی استناد به ماده ۸۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قابلیت استناد دارد که هر دو طرف در دستیابی به اهداف خود از قرارداد ناکام مانده‌اند و در نتیجه برای کاهش ضررهای ناشی از عدم اجرای تعهدات متقابل، این ماده یک راهکار منصفانه به عنوان یک حکم خاص در رفع مسئولیت دو طرف تعهد به نظر می‌رسد.

۵-۲-۱-۲. حق حبس در کنوانسیون

بیع بین‌المللی در عدم انجام تعهد

در تشریح ماده ۸۰ کنوانسیون ارتباط با بحث حق حبس در حقوق مدنی بسیار قابل طرح و متبادر به ذهن است همانطور که در حقوق ایران حق حبس پذیرفته شده است، در کنوانسیون وین نیز هر فروشنده و خریدار حق حبس دارد و تا زمانی که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکند، می‌تواند از انجام تعهدات خودداری کند. این حق در ماده ۵۸ کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است. در آن ماده آمده است که خریدار می‌تواند تا زمانی که بایع کالا یا اسناد مربوط را طبق مفاد

۵-۲-۱-۳. اجرای تعهد پس از انقضای مهلت اجرای تعهد

بر اساس مواد ۴۷ و ۶۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، « خریدار یا فروشنده می‌تواند به طرف مقابل مهلت اضافی برای پرداخت ثمن بدهد. در حقوق تجارت بین‌الملل پذیرفته شده است که خریدار نتواند صرفاً با تحویل ندادن کالا در موعد مقرر، معامله را فسخ کند. زیرا عدم تحویل به موقع کالا، نقض اساسی قرارداد محسوب نمی‌شود و فسخ قرارداد تنها در صورت نقض اساسی قرارداد قابل اعمال است. برای اجرای این قاعده شرط است که مهلت اضافی که خریدار به فروشنده می‌دهد یا فروشنده به خریدار می‌دهد کاملاً قطعی و مهلت داده شده برای ایفای تعهد معقول باشد» (Greene & others, 2004, 281-282). اثر این مهلت اضافی این است که متعهد نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت به روش‌های جبران خسارت از جمله فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد اقدام کند. اما مطالبه خسارت ناشی از تاخیر در اجرای تعهد بلامانع است. برخلاف قوانین ایران که متوسل شدن به روش جبرانی فسخ قرارداد منوط به تعهد متعهد به ایفای تعهدات قراردادی و ناتوانی متعهد در انجام تعهدات خود است. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پذیرفته شده است که اگر متعهد به تعهدات اصلی خود عمل نکند، متعهد می‌تواند بلافاصله و بدون الزام متعهد به انجام همان تعهد، قرارداد را فسخ کند. اهمیت فسخ قرارداد در بین روش‌های جبران خسارت به حدی است که در ماده ۲۸ کنوانسیون وین آمده است که دادگاه مکلف به صدور حکم بر اجرای جبری عین قرارداد نیست. مگر اینکه طبق قانون مربوطه به آن این اجازه داده شود. اگرچه طبق قسمت اول ماده ۴۶

کنوانسیون وین، حق تکلیفی همان قرارداد به رسمیت شناخته شده است، اما طبق ماده ۲۸، اعمال این حق منوط به رعایت شرایط متعدد است. نهایتاً در موارد زیر، متعهدله از حق انجام عین تعهد سلب می‌شود: ۱. فروشنده مسئولیت تخلف از قرارداد را ندارد، ۲. تسلیم مورد معامله غیرممکن است و فروشنده قادر به انجام عین تعهد نیست و ۳. انجام عین عقد برای فروشنده مشکل است. بنابراین تا زمانی که متعهد تخلفی از تعهدات قراردادی خود مرتکب نشده باشد، متعهدله نمی‌تواند به روش جبرانی فسخ قرارداد متوسل شود و از آنجایی که متعهد تا انقضای مهلت مقرر تعهدی به انجام تعهد ندارد، متعهدله باید برای فسخ قرارداد منتظر مهلت باشد. با این وجود، در کنوانسیون وین فرضیه ای پیش‌بینی شده است که متعهدله می‌تواند قبل از انقضای مدت قرارداد خود را به دلیل عدم انجام تعهد متعهد فسخ کند (Zeller & Andersen, 2025, 172-173). به بیان واضح‌تر، در ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، بر اساس قانون کامن‌لا، نهاد حقوقی «پیش‌بینی تخلف زودهنگام» به رسمیت شناخته شده است و طی آن قانون، به متعهدله این اجازه را داده است که حق دارد در صورتی که از نوع رفتار و عملکرد متعهد، در صورتی که معتقد باشد از ایفای تعهد خود امتناع می‌کند، می‌تواند انجام تعهدات خود را متوقف یا قرارداد را فسخ کند.

۵-۲-۲. نقش آفرینی متعهدله در فرآیند عدم ایفای تعهد

ماده ۸۰ کنوانسیون، «زمانی که عدم ایفای تعهدات قراردادی یکی از طرفین قرارداد ناشی از فعل یا ترک فعل طرف دیگر باشد، زیان دیده نمی‌تواند به قصور طرف استناد کند و این به

بر این اساس حقوقدانان معتقدند که درخواست اجرای عین تعهد، مطالبه خسارت، تعهد به تسلیم به مثل و حتی وجه التزامهای قراردادی، به موجب این ماده، مشمول معافیت می‌شوند. اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ماده ۸۰ در حقیقت بر مبنای دو نوع حکم شکل گرفته؛ یک حکم ایجابی که وظیفه مشترک همکاری که به عنوان یک اصل در تجارت بین‌الملل شناخته می‌شود و یک حکم سلبی مبنی بر اینکه طرفی که از همکاری سر باز می‌زند که در حقیقت یک رفتار غیرمجاز در تجارت بین‌الملل را در پیش گرفته است (Green, 2005, 59-60)، نباید این ماده را به عنوان یک «اصل رافع مسئولیت» شناخت.

این نظر با توجه به شرایط توسل به ماده ۸۰ که حقوقدانانی که این ماده را به عنوان یک اصل شناسایی کرده‌اند نیز قابل دریافت است. آنان معتقدند به طور خاص، پنج مورد الزام به طور مستقیم از ظاهر متن ماده ۸۰ برای معافیت مسئولیت برداشت می‌شود. اولاً عدم ایفای تعهد متعهد احراز شود. ثانیاً باید بین عدم ایفای تعهد متعهد و رفتار متعهدله رابطه علی و معلولی وجود داشته باشد. همچنین در گام سوم باید این موضوع اثبات شود که علت عدم ایفای تعهد متعهد، رفتار متعهدله بوده است. دو شرط دیگر به مبنای که ماده ۸۰ از آنها برگرفته شده باز می‌گردد. شرط چهارم این است که متعهد احتمال دهد که بر اثر رفتار متعهدله امکان ایفای تعهد از او سلب می‌شود (اثبات این امر بر عهده متعهد بوده و با توجه به طبیعت ماده ۸۰ به نظر امری گسترده و انعطاف پذیر بوده که متعهد بتواند با استمساک به عوامل گوناگونی منکر این امر شود) و در نهایت شرط پنجم آن است که بر مبنای احتمالی که متعهد می‌دهد به متعهدله

معنای معافیت آن طرف از مسئولیت قراردادی است. برای تحقق این معافیت نباید وفای به تعهد ناشی از فعل یا ترک فعل خود متعهدله باشد و به اصطلاح رابطه سببی وجود دارد و لازم نیست تقصیر کرده باشد بلکه صرفاً وجود رابطه سببی کافی است؛ در حقیقت این ماده بیان‌کننده یک حکم خاص است به نحوی که از متعهدی که به دلیل قصور متعهدله قادر به انجام تعهد نباشد، رفع مسئولیت می‌شود. بر اساس این ماده، فعل یا ترک فعل متعهدله هر دو ممکن است موجب مواعی برای ایفای تعهد متعهد شود که از نظر تشخیص ضرورت فعل یا ترک فعل متعهدله منوط به رابطه بین آن است که بدیهی است وقوع شرایط مندرج در بند ۱ ماده ۷۹ کنوانسیون در این مورد نیز باید ثابت شود.

برخی از حقوقدانان با توجه به پیشینه، تاریخ و توسعه این ماده معتقدند که ماده ۸۰ بیان‌کننده یک قاعده کلی بیانگر اصول فراگیر تجارت بین‌المللی است و بر این اساس ارائه تفسیر مضیق از این ماده نمی‌تواند اهداف مورد نظر کنوانسیون را محقق کند. آنها مبنای این ماده را بر گرفته از اصول کلی انصاف، حسن نیت، همکاری مشترک و همچنین عدم سوءاستفاده از حق دانسته‌اند. این در حالیست که خود این حقوقدانان معتقدند در اجرای این ماده باید شرایط متعددی وجود داشته باشد (Neumann, 2012, 138-139). در حقیقت این ماده موجب خروج استثنائات متعددی از شمول مسئولیت برای متعهد می‌شود. چرا که نه در ماده ۸۰ و نه در باقی مفاد کنوانسیون، اینکه چه علل یا اعمالی موجبات برخورداری از معافیت را تعریف کند وجود نداشته و شمول الفاظ «با تکیه بر»، «باعث» و «فعل یا ترک فعل» در ماده ۸۰ بر مصادیق بسیاری ممکن است.

حداقل بررسی‌های لازم راجع به اینکه نتایج نامطلوب آزمون نهایی آیا به کیفیت پایین رول-های عرضه شده توسط خریدار مرتبط بوده یا خیر، را انجام می‌دهد و بنابراین دادگاه اشتباه کرده و بر این اساس با نقض رأی صادره، رسیدگی مجدد به پرونده را تجویز نمود (Beheshti, 2024, 332-333).

۶. نتیجه

در ارتباط با مصادیق نقش‌آفرینی متعهدله در فرآیند ایفای تعهدات، مقررات حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هیچ مقرره‌ای پیش‌بینی ننموده‌اند. با در نظر گرفتن شرایط مختلف، می‌توان در این ارتباط سه فرض را در نظر گرفت: الف. متعهدله به واسطه مفاد قرارداد، خودش صراحتاً متعهد به تکالیفی است و تکالیف مزبور دارای ارتباط تام و مستقیم با تعهدات طرف مقابل است. ب. برای متعهدله در قرارداد به صراحت تکلیفی وجود ندارد، اما از طریق تفسیر تعهدات متعهد و نحوه اجرای آن تعهدات، یا از طریق شروط ضمنی، یا از طریق توسل به شروط بنایی و اجرای با حسن‌نیت قراردادها، می‌توان برای متعهدله تعهد یا تعهداتی را قائل بود. ج. در نهایت هیچ‌گونه تعهد صریح یا ضمنی برای متعهدله متصور نیست اما به واسطه یک اقدام خاص مانند تلف مال از سوی متعهدله، بر اجرای تعهدات قراردادی اثر مستقیم می‌گذارد.

در حقوق ایران راجع به این موضوع، هیچ مقرره یا مقررات هماهنگی دیده نمی‌شود؛ اگرچه می‌توان با تسامح، ضمانت اجرای تعهدات و وجه التزام را در خصوص رفتار و کنش متعهدله در عدم انجام یا مانع تراشی در قرارداد را با توجه به مواد ۲۳۷، ۲۳۸، ۳۷۶، ۴۷۶، ۵۳۴، ۵۷۹ قانون مدنی در زمینه‌ی تعیین خسارت عمل متعهدله

برای ایفای تعهد در زمان لازم اخطار داده باشد (Neumann, 2012, 152-153). بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به خلأیی که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص موارد شمول مواد ۷۹ و ۸۰ وجود دارد و این موضوع به طور ویژه راجع به ارائه تعریف منطقی از مصادیق قابل شمول ماده ۸۰ قابل طرح است، احتمال ایجاد تشتت آراء بیشتر می‌شود. در همین راستا، در پرونده «اینمد علیه تأسیسات جی.آر ماروآنی»، یک خریدار روسی سفارش ساخت دستگاهی برای بسته‌بندی پاشمان را به یک تولیدکننده فرانسوی می‌دهد. برای حصول نتیجه مورد نیاز خریدار، تولیدکننده ضمن قرارداد متعهد شده بود که از رول‌های پاشمان عرضه شده توسط خریدار در فرآیند تولید استفاده کند. با اینکه رول‌های ارائه شده توسط خریدار، از کیفیت پایینی برخوردار بودند، خریدار همگام آزمایش نهایی دستگاه، هیچ شکایتی از دستگاه را اعلام نکرد اما از تحویل دستگاه امتناع نموده و علیه تولیدکننده فرانسوی به خواسته فسخ قرارداد، استرداد پیش پرداخت و همچنین مطالبه خسارت، اقدام به طرح دعوا نزد محاکم فرانسه نمود. دادگاه بدوی تا حدی، ادعاهای خریدار را پذیرفت. دادگاه تجدیدنظر با نقض رأی بدوی اعلام نمود از این جهت که هنگام تست نهایی دستگاه، تولیدکننده هیچ ادعایی مبنی بر کیفیت پایین رول‌های پاشمان اعلام نکرده است (یعنی اقدام لازم برای رفع مسئولیت از خود ننموده است)، خریدار را نباید مسئول عدم انطباق دانست و تولیدکننده ار محکوم به پرداخت کلیه خواسته‌های خریدار نمود. سپس تولیدکننده از رأی دادگاه تجدیدنظر، فرجام خواهی نمود. دیوان عالی فرانسه با استناد به ماده ۸۰ کنوانسیون معتقد بود که دادگاه باید

ارتباط با نقش متعهدله به عنوان مانع ایفای تعهد، به صورت کلی رفتار را مدنظر قرار داده است. اما این نقش به صورت تفصیلی مورد توجه واضعان کنوانسیون قرار نداشته است. ماده ۷۹ در قامت یک قاعده عمومی محسوب شده، در حالیکه ماده ۸۰ تبیین کننده یک حکم خاص است. توجه به این نکته که جایگاه این مواد در کدام بخش از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قرار گرفته، حائز اهمیت است. این مواد ذیل قسمت چهارم از کنوانسیون که «معافیت‌ها» نامیده شده، آمده‌اند. در حقیقت مواد ۷۹ و ۸۰، نهادهای توجیه کننده مسئولیت در بیع بین‌المللی کالا را بر می‌شمارند و از این جهت، تفسیر این مواد تنها به شکل مضیق از اعتبار برخوردار است. چرا که با ایجاد مسئولیت، وضعیت جدیدی ایجاد شده است که اصل بر استقرار آن بوده و موانع مسئولیت یا موارد زوال آن از هر نوع، چه موجهه و چه رافع، همه خلاف اصل هستند. همین امر موجب می‌گردد که در تفسیر و تحلیل میزان مسئولیت متعهدله و نحوه جبران خسارات وارده، میان مراجع رسیدگی کننده به اختلاف، تشتت آراء ایجاد شود. در فضای عملی سه فرض مختلف در ارتباط با مصادیق رفتار متعهدله متصور است: اول این که متعهدله به واسطه مفاد قرارداد، متعهد به تکالیفی است و تکالیف مزبور دارای ارتباط تام و مستقیم با تعهدات طرف مقابل است. دوم این که برای متعهدله در قرارداد به صراحت تکلیفی وجود ندارد، اما از طریق تفسیر تعهدات متعهد و نحوه اجرای آن تعهدات، یا از طریق شروط ضمنی و همچنین شروط بنایی و اصل کلی اجرای با حسن نیت قراردادهای، می‌توان برای متعهدله تعهد یا تعهداتی را قائل بود و سوم این که، متعهدله به

در نظر گرفت. به هر صورت، آنچه قابل توجه است این است که رفتار متعهدله بر واکنش‌های ناشی از عدم اجرای تعهد در کنوانسیون مورد توجه واقع شده است و تمرکز اصلی مواد این کنوانسیون بر رفتار و شکل اجرایی متعهد بوده است که مسئولیتی را برای اجرای قرارداد بر عهده می‌گیرد در واقع تمرکز کنوانسیون برای اجرای تعهدات است که هیچ توجیهی برای عدم اجرای تعهدات قراردادی کنوانسیون وجود ندارد. ماده ۸۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نقش مهمی در حفظ تعادل و عدالت در روابط قراردادی دارد. این ماده با منع استناد به عدم انجام تعهد در شرایطی که این عدم انجام تعهد ناشی از رفتار طرف مقابل است، از سوءاستفاده طرفین از یکدیگر جلوگیری می‌کند و آنها را تشویق می‌کند تا با حسن نیت و همکاری به اجرای تعهدات خود بپردازند. زیرا هدف این کنوانسیون نزدیک شدن به اصول و قواعد حقوقی و راه‌های حاکم بر روابط تجاری بین‌المللی و رفع اختلاف و تعارض بود. در مواد ۶۲، ۸۵ و ۸۸ کنوانسیون عدم پذیرش از سوی متعهدله و یا رفتاری خلاف تعهد از سوی او مورد اشاره قرار گرفته است و ضمانت اجرایی برای آن تکلیف شده است این در حالی است که در حقوق ایران نمی‌توان به طور صریح به ماده و یا قاعده ای محکم درباره ی تاثیرگذاری متعهدله بر واکنش‌های ناشی از عدم انجام تعهد رسید. تنها ماده ی مرتبط همان ماده ۲۷۳ است که دل‌آثار و گفتار فقهای امامیه استخراج شده است و حاکم را به عنوان نماینده در نظر گرفته است که در این مورد در خصوص تعهد و تکلیف متعهد در مواجهه ی با رفتار غیرنظام مند متعهدله حکم حاکم را اصل دانسته است اگرچه در این زمینه نیز اجماع وجود ندارد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در

پژوهش حقوق خصوصی، دوره هفتم،
شماره بیست و ششم، ۱۳۹۸.

— شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات (با
اصلاحات). تهران، مجمع علمی و فرهنگی
مجد، ۱۳۸۸.

— صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق
مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.

— عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمه
الدمشقیه، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۰.

— علوی، سید محمد تقی و یوسفی، حسین،
اجرای زودهنگام تعهدات قراردادی در فقه،
حقوق ایران و اسناد بین المللی، پژوهش
حقوق خصوصی، دوره هفتم، شماره بیست
و پنجم، ۱۳۹۷.

— کاتوزیان، امیرناصر، حقوق مدنی، قواعد
عمومی قراردادها، جلد ۳، تهران، انتشارات
بهنشر، ۱۳۸۲.

— موسوی بجنوردی، سید میرزا احسن،
القواعدالفقهیه، جلد ۳، قم، انتشارات
اسماعیلیان، ۱۳۷۱.

— مهتاب پور، محمد کاظم و صمدی، افروز،
تکالیف متعهدله در قرارداد. حقوق فناوری
های نوین، دوره یکم، شماره یکم، ۱۳۹۹.

منابع لاتین

- Aksoy, Hüseyin Can, Impossibility in Modern Private Law: A Comparative Study of German, Swiss and Turkish Laws and the Unification Instruments of Private Law. London, Springer, 2014.

واسطه یک اقدام خاص مانند تلف مال از او، بر
اجرای تعهدات قراردادی اثر مستقیم می گذارد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و
اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت
گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود
ندارد.

منابع

منابع فارسی

— انصاری، مرتضی بن محمد امین، مکاسب
المحرمه و البیع و الخیارات، قم، انتشارات
منشورات دایر الذخایر، ۱۴۱۱.

— تلبا، مهدی و ابراهیمی، علیرضا، مقایسه
عقیم شدن قرارداد در حقوق کامن لا با
فورس ماژور، قاعده عسر و حرج و
هاردشیپ. دوفصلنامه علمی حقوق
تطبیقی، دوره دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۶.

— حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره
الفقها، بیروت، منشورات دار الامکتبه الحیاه،
۱۳۱۴.

— رفیعی، محمدتقی و حجازی، سیدحسین،
عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در
حقوق ایران و اروپا. پژوهش حقوق
خصوصی، دوره دهم، شماره سی و نهم،
۱۴۰۱.

— شعاریان ستاری، ابراهیم و شیرین بیگ پور،
رویا، تأثیر انواع نقض قرارداد بر ضمانت
اجرای آن با تأکید بر اسناد بین المللی،

- Munich: Sellier European Law Publishers, 2012.
- Tugce, Oral, Exemption from liability according to the art. 79 of the Convention on International Sale of Goods (CISG), *Juridical Tribune (Tribuna Juridica), Bucharest Academy of Economic Studies, Law Department*, 9(3), 2019.
 - Whittaker, Simon, 'Contracts, Contract Law and Contractual Principle' in John Cartwright and Simon Whittaker (eds), *The Code Napoléon Rewritten: French Contract Law after the 2016 Reforms*, London, Hart 2017.
 - Zeller, Bruno & Andersen, Camilla Baasch, *Routledge Handbook on Transnational Commercial Law*. Hague: Routledge, 2025.
 - Beheshti, Reza, *Buyers' Remedies in International Sales Law: A Comparative Study*, London: Hart, 2024.
 - Gillette, Clayton P., Walt, Steven D. *The UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods: Theory and Practice*. Cambridge: Cambridge University Press, 2016.
 - Green, Sarah, *The Risk Pricing Principle: A Pragmatic Approach to Causation and Apportionment of Damages. Law, Probability & Risk*, Volume 4, 2005.
 - Greene, Stephanie M., DiMatteo, Larry A. and Dhooge, Lucien J. and Maurer, Virginia G. and Pagnattaro, Marisa Anne, *The Interpretive Turn in International Sales Law: An Analysis of Fifteen Years of CISG Jurisprudence. Northwestern Journal of International Law & Business*, 24(1), 2004.
 - Kryla Cudna, K. *ADEQUATE ASSURANCE OF PERFORMANCE UNDER THE UN CONVENTION ON CONTRACTS FOR THE INTERNATIONAL SALE OF GOODS AND THE UNIFORM COMMERCIAL CODE. International and Comparative Law Quarterly*, 70(4), 2021.
 - Neumann, Thomas, *The Duty to Cooperate in International Sales*.

